

در امتداد تاریکی

نمک روی زخم!

وقتی به طور غیرقانونی از افغانستان به ایران مهاجرت کردیم،عمومیم مرا به یکی از هموطنانم شوهر داد که او نیز به طور غیر مجاز در ایران زندگی می کرد اما افکار و عقاید ۱۴ سال با من تفاوت داشت به همین خاطر ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، زن ۱۸ ساله ای که مدعی بود از ۲ هفته قبل منزل را ترک کرده و مراکز یارتی شب ها را سپری می کند، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری مصلاي مشهد گفت: از همان دوران کودکی احساس می کردم کسی مرا دوست ندار دو من دختر بدشانشی هستم؛ چرا که پدر و مادر همواره به دیگر خواهر و برادرانم توجه می کردند و من از کمبود محبت در خانواده رنج می کشیدم. پدرم در افغانستان مغازه دار بود و زندگی متوسطی داشتیم. من هم تا کلاس هفتم درس خواندم اما بعد از آن دیگر مادرم اجازه تحصیل نداد و به پدرم اصرار می کرد که به ایران مهاجرت کنیم. با آن که پدرم موافق نبود تا کار و زندگی اش را در افغانستان رها کند، اما مادرم آن قدر اصرار کرد که بالاخره پدرم تصمیم خودش را عوض کرد و به این ترتیب ما از طریق قاچاقچیان انسان به ایران آمدیم. ولی در این جا مادرم مرا که دیگر نوجوان بودم خیلی محدود کرد به گونه ای که حتی اجازه نمی داد به تنهایی بیرون بروم. در حالی که پدر و برادرم برای گذران زندگی کار می کردند، عموی کوچکم تقریباً امور خانه ما را در دست داشت و برای ماتصمیم می گرفت.

بالاخره حدود ۶ماه قبل بود که عمومیم یکی از هموطنان افغانستانی را برای ازدواج با من پیشنهاد کرد. «سهراب» که ۱۴ سال از من بزرگ تر بود در مشهد کاری می کرد و از ۲سال قبل به طور غیر مجاز به مشهد آمده بود. من هم که نمی توانستم روی حرف عمومیم حرفی بزنم، سکوت کردم و پای سفره عقد نشستم، اما هنوز یک روز بیشتر از برگزاری مراسم عقد کنار نگذشته بود که ما زدم مرا اودار کرد تا زودتر عروسی کنیم. این رفتار او تأثیر بدی در روح و روانم گذاشت و به سردی روابط عاطفی بین ما انجامید. با وجود این، من همواره سکوت می کردم و حرفی نمی زدم تا جایی که دیگر همسرم به بهانه های واهی با من قهر می کرد و گاهی تا چند روز توجهی به من نداشت. البته من هم به کمک آن اقدام کردم. آخرین بار ۱۵ روز سراغی از من نگرفت، این در حالی بود که مادرم نیز با نیش و کنایه هایش بر روی زخم هایم نمک می پاشید و بیشتر آرام می داد. بالاخره این رفتارها موجب شد تا ۲هفته قبل پنهانی از خانه خارج شدم و سرگردان و حیران در خیابان ها به راه افتادم. جایی برای اقامت نداشتم به همین دلیل شب ها را به مراکز یارتی و عبادتگاه ها می رفتم و روز ها را نیز در پارک ها و خیابان ها سرگردان بودم. از سوی دیگر هم نه لباس گرمی داشتم و نه غذایی! به همین دلیل به کلانتری پناه آوردم تا به من کمک کنند اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ محمد لیان(رئیس کلانتری مصلاي مشهد) بررسی های قانونی واقدامات مشاوره ای برای کمک به کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

شب‌ی وحشتناک در بیمارستان بیمارار!



به مطب خصوصی یکی دیگر از پزشکان جراح بروید که امروز در بیمارستان خدمت می کند. بالاخره ساعت ۸:۳۰ پنج شنبه به مطب آقای دکتر رقتیم و باپرداخت ۱۵۰ هزار تومان ویزیت برگه مرخصی استعلاجی بیمارستان را گرفتیم.

■ پرستاران و هزار توی مشکلات!

بالاخره در شب وحشتناکی که حوادث تلخی در بیمارستان شهید هاشمی نژاد اتفاق افتاد پای درد دل پرستاران و کارکنان نیز نشستیم تا از مشکلات افرادی بنویسم که هر سال یک بار فرشته سفیدپوش می شوند و دیگر کسی از آن هایاد نمی کند. در این میان اما از برخورد های مودبانه و با طمأنینه برخی از کارکنان زحمتکش مرکز درمانی نیز نباید غافل شد به گونه ای که یکی از نگهبانان بخش که نام رحمتی بر روی اتیکت لباسش خودنمایی می کرد علاوه بر انجام وظیفه قانونی، همراهان بیماران را را برای استفاده بهینه از لوازم وحتىی بهره مندی از آسانسورهای متعدد راهنمایی می کرد، اما پرستاران علاوه بر حقوق و مزایا از شیفت های خدمت ۱۸ ساعته و کمبود نیروهای پرستاری به شدت گلایه داشتند. آنان می گفتند ثبت وقایع روزانه و اوضاع و احوال بیماران در سیستم های رایانه ای همچنین تهیه داروهای بیمار توسط پرستاران از داروخانه بیمارستان از جمله مشکلات حادی است که بیشتر وقت پرستاران را می گیرد. آن ها نمی توانند به وظیفه اصلی خود که مراقبت از بیماران است، عمل کنند. آن ها می گویند شرایط آن قدر تاسف بار است که می ترسیم با بیان ها ما را اخراج کنند و شیرینی روز پرستار را دیگر هیچ گاه نجشیم. یکی از پرستاران که نمی خواهد نامی از او به میان بیاید ادعا می کند که گاهی پرستاران بیماران را روی تخت از دیگر محل های درمانی جابه جایی می کنند. سختی کار و زیان آور بودن شغل پرستاری هنوز هم از مشکلات حادی است که با آن دست به گریبان هستیم. به خاطر کمبود نیرو برنامہ بحران گذاشته اند که هنگام استراحت باید به صورت اجباری به محل کار برویم. خرابی دستگاه ها و سرگردانی بیماران ما را نیز ناراحت می کند، ولی فقط می توانیم همراه بیمار اشک بریزیم. کارانه ها و معوقه ها هم که همواره جزو اصلی خواسته های ما بود هنوز به سامان نرسیده ه، ظاهر روز های تعطیل هم سرویس رفت و آمد نداریم.

■ مسئولان نخوانند

امیدوارم این گزارش را مسئولان وزارت بهداشت و درمان نخوانند چرا که جز تولید ناراحتی حاصلی نخواهد داشت و کاری از دست آن ها نیز ساخته نیست با آن که مدیران دانشگاه علوم پزشکی خود از پزشکان سرشناس و برجسته هستند و به این مشکلات واقف اند، اما باز هم به انتظار می نشینیم تا روزی برای رفع این مشکلات با لذت قلم بزنیم.

نبود، چرا که نمی توانستم از آن چه در بیمارستان بیماری می گذرد، گزارش تهیه کنم. به همین خاطر منتظر ایستادم و به صحنه های دردناک دیگری می نگریستم که در آن شب وحشتناک رقم می خورد. دختر ۱۳ ساله ای که او نیز برای عمل آپاندیسیت آماده می شد، وحشت زده فریادی زد و از انجام عمل می ترسید. او می گفت من می میرم و باید مادرم را ببینم، ولی کسی به او توجهی نداشت. پدرش نیز نمی توانست و او آرام کند به همین دلیل گریه های او با اشک و ناله های مجروحان حادثه جنایت مسلحانه در هم آمیخت و ...

■ بیمار تصادفی و دستگاه خراب!

بالاخره نگرانی هایم به پایان رسید و دخترم را به بخش اور دیسم اما صحنه دردناک دیگری افکارم را به هم ریخت. زن جوانی که از همسرش طلاق گرفته بود با اضطراب و وحشت زده گلائی می کرد پزشک می گوید دستگاه اسکوپی از سه روز قبل خراب است و ما نمی توانیم پای فرزند شما را عمل کنیم. او در پاسخ به سوال من درباره ماجرای بستری شدن فرزندش در بیمارستان گفت پسرم در کوچه بازی می کرد که با یک خودرو تصادف کرده و پایش به طرز وحشتناکی شکسته است. امدادگران اورژانس او را به بیمارستان شهید هاشمی نژاد آورده اند و من همه مراحل بستری او را طی کردم، اما اکنون می گویند دستگاه خراب است. باید رضایت بدهی و فرزندت را به یکی دیگر از مراکز درمان ببری. این زن جوان که گویی همه غم های دنیا یک باره بر پیکرش فرود آمده است اشک ریزان ادامه داد: من یک زن تنها هستم. اکنون چنان درمانده ام که نمی دانم چه کنم. چگونه این پسر را با این وضع به آسپد بگیرم و بعد به کدام مرکز درمانی ببرم که دستگاه اسکوپی آن ها سالم باشد. در این هنگام یکی از پرستاران برای وصل کردن سرم دخترم به اتاق آمد و او گلایه هایش را تکرار کرد. پرستار مذکور هم گفت من در جریان نیستم و نمی دانم چرا با وجود خرابی دستگاه فرزند شما را پذیرش کردند. در این هنگام بود که مادر کودک معلول که فرزندش دچار پوکی استخوان بود و پایش زیر دراور منزل آسیب دیده بود نیز لب به گلایه گشود و با حالتی غم انگیز دعا می کرد تا این وضعیت اسفبار به سامان برسد.

■ ماجرای عجیب تر خییص بیمار!

بالاخره با سپیده صبح من از بیمارستان خارج شدم تا این صحنه های دردناک را برای اطلاع مسئولان به نگارش درآورم. اگر چه به دلیل خلاصه نویسی نمی توانستم بسیاری از صحنه های دردناک دیگر را به نگارش قلم بسپارم، اما حدود ظهر متوجه شدم که دخترم را ترخیص کردند. اگر چه پزشک جراح در ایستگاه پرستاری برگه ترخیص را نوشته بود، اما بعد از ظهر تازه فهمیدیم که داروهای صبح و ظهر دخترم را نیز به او ندادند که بعد از پیگیری بالاخره دارو هایش را دریافت کردیم، اما برای گزارش مدت استعلاجی در مان مانده بودیم که پرستار گفت پزشک معالج شما امروز نیست و باید برای گرفتن برگه مرخصی استعلاجی

هاشمی نژاد در حالی آغاز کردند که من با نگرانی به طبقه دوم (سالن انتظار اتاق عمل) رفتم. هنوز دخترم در اتاق عمل بود که ناله های پسر نوجوانی کنجکاو ی ام را برانگیخت. حالا دیگر قصد داشتم گزارشی از آن چه را در این شب وحشتناک می گذرد به نگارش درآورم. از پدر آن پسر نوجوان درباره ماجرای چاقو خوردگی فرزندش پرسیدم. او گفت پسرم در کلاس ششم ابتدایی و در کوی صاحب الزمان (عج) در منطقه گلشهر به مدرسه می رود. گویی با همکلاسی هایش قرار دوا گذاشته بودند که بعد از تعطیلی مدرسه تعدادی از دانش آموزان با هم در گیر شده اند و در این میان پسرم سعید با ضربه چاقویی که به بازویش خورده به شدت زخمی شده بود که او را به بیمارستان رساندیم، اما اکنون با مشکلاتی روبه روه شده ایم که ...

پزشکان جراح دوباره از اتاق عمل خارج شدو به محلی آمد که دقیایقی قبل دخترم در آن جا معاینه شده بود. پزشک جراح مذکور دست آتل بسته سر کار انگاهی کرد و در حالی که هنوز دست چاقو خورده نوجوان در دستش بود خطاب به پدر او گفت ما این جراح عروق نداریم، بنابراین هر اتفاقی احتمال دارد هنگام عمل جراحی برای فرزندتان رخ بدهد! شاید عصب دست او در لحظه فرو رفتن چاقو قطع شده یا آسیب دیده است و یا ممکن است در حین عمل جراحی این اتفاق بیفتد! به همین دلیل شما باید آن چه را که من برای انجام عمل جراحی می نویسم، امضا کنید و عواقب آن را به عهده بگیرید! در غیر این صورت می توانید فرزندتان را به جای دیگری ببرید! پدر با شنیدن این جملات بی پرده در حالی به فکر فرو رفت که رنگ از رخسار پسرش نیز پرید.



بیمار بستری شده در سانه تصادف

حالا پسر نوجوان ترس و اضطراب هولناکی بر وجودش غلبه کرده بود و فریادی زد اگر عمل کنم دستم فلج می شود. به درحالی که تلاش می کردم او را دلداری بدم با حالتی پد رانه گفتن ان شاء ... خوب شدی و به مدرسه باز گشتی یک وقت فکر انتقام به سرت نزنند و تو هم چاقو برداری که خدای ناکرده این بار تیغه چاقو در قلب کسی فرو رود. پسرک که گویی درد و نگرانی اش را فراموش کرده بود نگاهی به چهره ام انداخت و با غرور عجیبی گفت به قلبش فرو رفت که رفت. دیگر نمی دانستم چه بگویم. تلاش کردم تا از این صحنه به منظور هشدار ی برای خانواده ها تصویری با گوشی تلفن ثبت کنم که با عکس العمل تلفنچی اتاق عمل روبه رو شدم و او در حالی که گوشی تلفن را برداشته بود خطاب به من گفت به نگهبان بگویم تو را ... بیرون بینداز دیخوت می روی؟ دیگر جای مشاجره

برابر خواهش هایم کوتاه آمد. خودم را خبرنگار معرفی کردم و به او گفتم دوست داشتم مانند همیشه گزارش هایی از زحمات و تلاش های کارکنان درمانی می نگاشتم، اما گویی اوضاع معاینه کرده، دیگر نیازی به معاینه نیست! خود بیماری در حال احتضار است که نیاز به احیا دارد. بالاخره او شماره اتاق عمل را



قاضی ویژه قتل عمد در مرکز درمانی

گرفت و من از پزشک جراح خواهش کردم حداقل قبل از عمل دخترم را معاینه کند! ولی پزشک باطمینان گفت وقتی پزشک اورژانس معاینه کرده، دیگر نیازی به معاینه نیست! با تعجب گفتم: آقای دکتر، پزشک اورژانس مدعی است چون شما بیمار را معاینه کرده اید، دیگر به او ربطی ندارد! با این جمله دکتر جراح متقاعد شد تا دخترم را معاینه کند! دقیایقی بعد او با چهره خسته اما بدون اپرو در هم کشیدن بیمار را روی تختی معاینه کرد که مجبور شدم پلاستیک خاکی و کثیف روی تخت را جمع کنم. با وجود این تشخیصی آپاندیسیت بود.

■ ماجرای جنایت مسلحانه!

در حالی که نگرانی از انجام عمل جراحی دخترم افکارم را به هم ریخته بود خودروی حامل قاضی ویژه قتل عمد مشهد را دیدم که در کنار اورژانس بیمارستان متوقف شد و خودروی بررسی صحنه جرم نیز پشت سر آن ایستاد. بی درنگ به سراغ قاضی محمود عارفی راد رفتم، چرا که می دانستم حادثه جنایی رخ داده است! سرهنگ مرادی (افسر کنشیک قتل آگاهی خراسان رضوی) نیز به همراه عوامل بررسی صحنه جرم مقام قضایی را برای انجام تحقیقات میدانی همراهی می کردند در حالی که تصویری از آغاز تحقیقات در دوربین گوشی تلفن همراهم نقش می بست، قاضی ویژه پرونده های جنایی از وقوع جنایت مسلحانه تکان دهنده ای خبر داد که در خیابان هدایت ۱۲ رخ داده بود. مرد ۴۰ ساله ای همسر و دو برادر زنش را به خاطر اختلافات خانوادگی به گلوله بسته بود. یکی از برادرزن های وی با شلیک گلوله به قتل رسیده بود و همسر و برادرزن ۲۴ ساله اش زخمی شده بودند. برخی از نزدیکان مجروحان صحنه های رقت انگیزی را رقم می زدند. اتاق عمل آماده می شد تا آسیب دیدگان این ماجرای وحشتناک تحت درمان قرار گیرند.

■ حکایت ترسناک چاقو کش های دانش آموز!

دقیایقی بعد قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد دستورات ویژه ای را برای دستگیری قاتل فراری صادر کرد که خبر آن روز گذشته در صفحه حوادث روزنامه خراسان منتشر شد و بدین ترتیب کارآگاهان ردنی های اطلاعاتی را از بیمارستان شهید

سید خلیل سجاد پور - هراسان و سراسیمه به بیمارستان شهید هاشمی نژاد رسیدم. دلهره عجیبی سراسر وجودم را فرا گرفته بود و هنوز صدای همسرم در گوشم می پیچید: «گفتند باید سریع به اتاق عمل برو!» ازمایش های پزشکی و سونوگرافی هم که ساعتی قبل در مراکز درمانی خارج از بیمارستان انجام شده بود از وجود سنگی در کلیه و تاریکی به نفع وجود آپاندیسیت حکایت می کرد، اما این ماجرا از جایی وحشتناک شد که فهمیدم پزشک جراح یا حتی پزشک اورژانس، دختر ۲۳ ساله ام را به صورت بالینی معاینه نکرده اند و حالا قرار است مستقیم به اتاق عمل بروند! نگرانی و اضطراب دستانم را به لرزش انداخته بود.

اگر چه وقتی فهمیدم دکتر ناظر یان (پزشک عمومی) بیمار را

برای انجام سونوگرافی به مراکز درمانی دیگر معرفی کرده است، کمی آرامش روحی گرفتم؛ چرا که قبلاً نیز درباره منانیت و تشخیص های صحیح این پزشک برجسته شنیده بودم، اما هنوز نگرانی در وجودم موج می زد، از پرستاری که برای گرفتن «رضایت اتاق عمل» آمده بود، پرسیدم چه کسی دخترم را معاینه کرده است و او دوپهلوی پاسخ داد: «پزشک جراح ازمایش ها و سونوگرافی را دیده است!» اصرار کردم قبل از انجام عمل باید با پزشک جراح صحبت کنم! ولی او مدعی بود این خواسته امکان پذیر نیست، چرا که آقای دکتر «ع» در اتاق عمل هستند! پرسیدم پس در این صورت چه کسی دخترم را معاینه کرده و تشخیص عمل سریع داده است؟! این پرستار که همه تاشش این بود که با مهربانی و آرامش به سوال تم پاسخ دهد مرا به سوی خاتم جوانی راهنمایی کرد که پشت میز کوچکی نشسته بود. ابتدا فکر می کردم او هم پرستار است، اما وقتی یکی از کارکنان او را «دکتر» صدا زد شتاب زده به سوش رفتم. دخترم درد می کشید و عاطفه پدری خستمانم را خیس کرده بود. گفتم خانم دکتر می شود خواهش کنم دخترم را حداقل معاینه کنید که درد شکمی او به خاطر سنگ کلیه است یا عفونت آپاندیسیت!

ولی نگاه خشم آلود او ادامه جمله ام را ناتمام گذاشت «به من ربطی ندارد! پزشک جراح دیده است!» دوباره چند قدم از طرف تر رفتم و از همسرم که هنوز در حال دلداری دادن دخترم روی تخت اورژانس بود، پرسیدم این ها که می گویند پزشک جراح معاینه کرده است؟! باز هم یک جمله شنیدم «هیچ پزشک و پرستاری روی این تخت نیامده است!» دیگر چاره ای نداشتم باید حتماً با پزشک جراح مشورت می کردم. به همین خاطر ملتزمانه از پرستاری که برگه های رضایت را مقابلم گذاشته بود، خواستم تا مرا برای دیدار با پزشک جراح راهنمایی کند!

■ معاینه در اتاق عمل!

بالاخره دخترم لباس های اتاق عمل را پوشید و من هم برای هر اتفاق ناخواسته ای رضایت دادم! پرستار به جوانی که گویی متصدی یا تلفنچی اتاق عمل بود، توصیه کرد که من بتوانم قبل از انجام عمل جراحی با پزشک معالج صحبت کنم! اگر چه با تلخ رویی و نمی شود های او روبه رو شدم، اما در نهایت در

پایان زندگی مخفیانه قاتل فراری در مشهد

تو کلی - فردی که در نزاعی مرگبار در شهر کرمان مرتکب قتل شده بود پس از ۲۸ ماه فرار در مشهد به چنگ پلیس افتاد. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب بر مرکز استان کرمان با اشاره به وقوع قتل فردی هنگام نزاع در شهر کرمان در ۹ مرداد ۱۴۰۰ بیان کرد: دستور قضایی لازم برای پیگیری موضوع به پلیس آگاهی انتظامی صادر شد که در ادامه با اشراف ارتباطات و تحرکات متهم و با هماهنگی های مطلوب قضایی، انتظامی و پیگیری میدانی، قاتل فراری در شهر مشهد دستگیر شد و تحت نظر مقام قضایی قرار گرفت. قاضی مهدی بخشی افزود: با صدور قرار بازداشت موقت، متهم روانه زندان شد. وی اظهار کرد: تحقیقات مقدماتی لازم در خصوص نحوه قتل و دیگر ابعاد موضوع در دست اقدام قضایی است و متهم در تحقیقات اولیه به ارتکاب قتل اعتراف کرده است. مدعی العموم کرمان همچنین در خصوص پرونده دیگری با موضوع آدم ربایی جوانی ۲۵ ساله به علت اختلافات مالی گفت: متهم دستگیر و با قرار بازداشت موقت روانه زندان شد که هم اکنون، تحقیقات در این پرونده ادامه دارد و پس از تکمیل، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری ارجاع خواهد شد.

کشف ۲ کیلو تریاک از معده یک سوداگر مرگ

کرمانی - خرده فروش مواد مخدر که ۱۴۳ بسته تریاک را بلعیده بود در عملیات نیروهای کلانتری جویبار کرمان به دام افتاد.

به گزارش خراسان ، جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان کرمان در تشریح این خبر اظهار کرد: در اجرای طرح مبارزه با مواد مخدر نیروهای کلانتری ۳۶ جویبار کرمان، فردی با هویت مشخص را در حال پرسه زدن در یکی از مناطق این شهر زیر نظر گرفتند.

سرهنگ حسن خالقی ادامه داد: ماموران با چهره زنی و مشاهده حالات و رفتار خاص این فرد به احتمال حمل مواد مخدر به روش مشکوک شدند و با هماهنگی قضایی این متهم را به بیمارستان منتقل کردند.

این مسئول انتظامی تصریح کرد: در نهایت تعداد ۱۴۳ بسته تریاک به وزن بیش از ۲ کیلو گرم از معده این متهم خارج شد. وی خاطر نشان کرد: این سوداگر مرگ پس از بازجویی و مشخص شدن مکان های انتقال و توزیع مواد مخدر تحویل مرجع قضایی شد.

آگهی خرید و تملک اراضی و املاک

شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی در نظر دارد به استناد مقررات لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای محترم انقلاب، نسبت به تملک اراضی، املاک و پرداخت خسارات وارده به مالکین و صاحبان حقوق واقع در حد فاصل سد شور ریجه تا ایستگاه شماره ۳ پمپاژ خط انتقال سد دوستی محدوده طرح احداث و آسفالت جاده دسترسی به سد شور ریجه شهرستان سرخس (مطابق نقشه) به شماره طرح ۳۲۰۷۰۰۳۲۰۵ اقدام نماید. بدین وسیله مستند به ماده ۴ لایحه قانونی یاد شده به اطلاع مالکین و صاحبان سایر حقوق قانونی اراضی فوق الذکر می رساند، حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی با در دست داشتن اسناد مثبته مالکیت و یا سایر حقوق قانونی خود به دفتر حقوقی این شرکت واقع در مشهد، بلوار خیام، نبش خیام جنوبی ۲۵، طبقه اول، دفتر حقوقی، به شماره تماس ۹۹-۳۷۶۱۷۰۱۱ مراجعه فرمایند.

ضمناً نظر به اینکه تعیین بهای عادلانه حقوق متعلقه بر اساس نظر هیات کارشناسی به عمل می آید، بنابراین مقتضی است همزمان با تحویل اسناد و مدارک مالکیت، کارشناس منتخب و مرضی الطرفین خود را از میان کارشناسان رسمی دادگستری تعیین نمایند. بدیهی است در صورت عدم مراجعه مالکین محترم در مدت مذکور مطابق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.

روابط عمومی شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی سامانه پیامکی ۳۹۴۳۰۰۶ و تلفن گویا ۳۱۴۳۵